

آفتابه خالی



وقتی رسیدم دستشویی، دیدم آفتابه‌ها خالی‌اند. برای آب کردنشون باید تا هور می‌رفتم. خیلی راهش طولانی بود و زورم آمد تا آنجا بروم. یک بسیجی آن اطراف بود. بهش گفتم: «دستت درد نکنه، این آفتابه رو آب می‌کنی؟» بی‌چون و چرا قبول کرد. رفت و آب آورد. دیدم آب آفتابه کثیفه. گفتم: «برادر جان! آگه صد متر بالاتر آب برمی‌داستی، تمیزتر بود» دوباره آفتابه را برداشتم و رفت و آب تمیز آورد. بعدها این بسیجی مخلص رو شناختم. مهدی زین الدین بود. فرمانده لشکر.

یادها و یادگاراها: شهید مهدی زین الدین



اعدام انقلابی «حسنعلی منصور» توسط «بخارایی» عضو هیئت مؤتلفه اسلامی (۱۳۴۳ ش)

ماجرای سومین گلوله

حسنعلی منصور فرزند علی منصور در سال ۱۳۰۲ در تهران به دنیا آمد و پس از فارغ التحصیلی از دانشگاه، استخدام وزارت امور خارجه شد. وی طی سال‌های دهه ۱۳۲۰، مدارج ترقی را پیمود تا این که پس از ورود به مجلس شورای ملی و سنا در شهریور ۱۳۴۲ و تاسیس حزب ایران نوین، به مدت کمتر از یک سال نخست وزیر شد.

تصویب کابینتولاسیون، افزایش قیمت بنزین و تبعید حضرت امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) از روش‌های او در اداره کشور محسوب می‌شد. در ساعت ۱۰ صبح روز اول بهمن ۱۳۴۳ هنگامی که حسنعلی منصور با غرور تمام قصد پیاده شدن از اتومبیل در جلوی در ورودی مجلس شورای ملی را داشت، هدف گلوله شهید محمد بخارایی از اعضای شاخه اجرایی هیئت مؤتلفه اسلامی قرار گرفت و چند روز بعد به هلاکت رسید. فتوای قتل منصور از جانب آیت‌الله سید محمد هادی میلانی در مشهد صادر شده بود.

می‌گویند وقتی در دادگاه از محمد بخارایی سؤال می‌کنند که با دو گلوله اول منصور زنده نمی‌ماند ولی چرا سومین گلوله را به گلولی او شلیک کردی؟ آن جوان رشید در پاسخ گفت: حنجره‌ای که از آن به روحانیت اهانت شده، باید دریده شود.

منبع: مرکز اسناد انقلاب اسلامی



دیر اومدی زود می‌خوای بری؟

آن قدر دیر آمده که چند رکعت از جماعت را هم از دست داده. نماز هم که تمام می‌شود، سری فلنگ را می‌بندد و می‌رود. غافل از اینکه زود آمدن و دیر رفتن در این مورد چه ثواب‌ها که ندارد!

متن دقیق رساله:

مستحب است از همه زودتر به مسجد آید و از همه دیرتر از مسجد بیرون رود. (توضیح المسائل امام، مسئله ۹۱۲)



نعمت بیماری!

بیمار شده و دیگر خدا را بنده نیست. انگار نعوذ بالله، خدا به او ظلم کرده است! اما چه نعمتی بالاتر از بیماری؟! شاید اگر کمی صبر داشت، خدا همین بیماری را از او قبول می‌کرد. آن قدر بیماری نعمت بزرگی است که امام زین‌العابدین (علیه السلام) بین این که شکر تندرستی را به جا آورد یا شکر بیماری را، مردد می‌ماند:

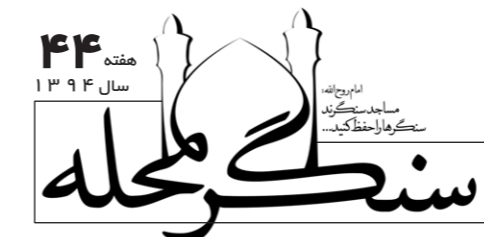
فَمَا أَذْرِي، يَا إِلَهِي. أَيُّ الْحَالَيْنِ أَحَقُّ بِالشُّكْرِ لَكَ، وَأَيُّ الْوَقْتَيْنِ أَوْلَى بِالْحَمْدِ لَكَ. وَقْتُ الصِّحَّةِ الَّتِي هَنَأْتَنِي فِيهَا طَيِّبَاتِ رِزْقِكَ، وَنَشْطَتِنِي بِهَا لِابْتِغَاءِ مَرْضَاتِكَ وَفَضْلِكَ؟ أَمْ وَقْتُ الْعِلَّةِ الَّتِي مَحَصَّنْتَنِي بِهَا، وَالتَّعَمُّ الَّتِي أَتَحَفَّتَنِي بِهَا. تَخْفِيفًا لِمَا ثَقُلَ بِهِ عَلَيَّ ظَهْرِي مِنَ الْخَطِيئَاتِ؟

(بخشی از دعای ۱۵ صحیفه سجادیه)

انتقادهای، پیشنهادها، ایده‌ها، جملات و خلاصه هر چیزی را که رنگ و بوی مسجد دارد رو به دست ما برسونید تا همین جا و در همین ستون منتشرش کنیم.

سامانه پیامکی: ۱۰۰۰۱۵۰۱۶۰۱۷۰

سایت: SangareMahalle.ir



هفته نامه تربیتی، مسجدی هفته پنجم دی ۱۳۹۴
تحریریه: همه هم سنگرهای مسجدی
برای دریافت نسخه قابل ویرایش به تارنمای نشریه مراجعه کنید:
SangareMahalle.ir
با ارسال اخبار، تصویر و پیامک، حضور مسجد خود را در نشریه پر رنگ‌تر کنید.
سامانه پیامکی: ۱۰۰۰۱۵۰۱۶۰۱۷۰
SangareMahalle.ir

در این شماره می‌خوانید:

اگر آل سعود یک جو غیرت داشتند...

محبت فطری امیرالمؤمنین

دیر اومدی زود می‌خوای بری؟

آفتابه خالی

شبهه‌ای به نام «دور»

ظاهر قضیه یک چرخه باطل است: رهبری اعضای شورای نگهبان را مشخص می‌کند و آن‌ها صلاحیت خبرگان را می‌سنجند و خبرگان، رهبر را انتخاب می‌کنند و دوباره رهبر، شورای نگهبان را و شورا، مجلس خبرگان را...

به هزار و یک دلیل این چرخه، اصلاً چرخه نیست و دور ندارد. شاهدش این که آغاز قضیه معلوم است و آن این که امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) بدون دخالت شورای نگهبان و خبرگان روی کار آمد

و همه چیز بعد آن بود. پس قضیه اصلاً

قضیه مرغ و تخم مرغ نیست. سایر

دلایل باشد برای کتاب‌های

علمی.

حقیقتش را بخواهی،

این‌ها همه بهانه است.

کافی است به تفاوت نظام

خدایی و غیر خدایی فکر

کنی. در نظام غیر خدایی،

گروه‌ها و گروهک‌های به‌ظاهر مردمی

حکومت می‌کنند و در نظام خدایی، خدا و

جانشین خدا. حالا بگو برای شناسایی و نظارت بر جانشین

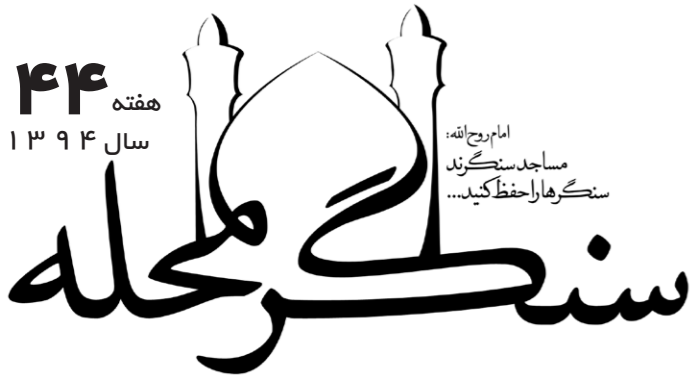
خدا چه باید کرد؟ آیا راهی جز این هست که مردانی خدایی با معیار علم و

تقوا مدیریت و نظارت را به عهده بگیرند؟

نیمه پنهان ۵۰: دربار شیطان، پیدا و پنهان شکل‌گیری وهابیت

در این کتاب خواننده علاوه بر آشنایی با تفکرات حاکم بر سرکردگان فرقه ضاله وهابیت به پاسخ این سؤال‌ها دست می‌یابد که چرا انگلستان، آل سعود را به قدرت رساند؟ و هدف جهان‌خواران از شکل‌گیری وهابیت چه بوده است؟ کتاب «دربار شیطان» به شهیدان اهل سنت، خاصه شهید مظلوم «ماموستا شیخ الاسلام» تقدیم شده است.

نویسنده: دفتر پژوهش‌های موسسه کیهان
انتشارات: کیهان
قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان
تعداد صفحات: ۲۹۹



اولین مشکل بیماردلان

دو جمله اول حرف پیامبران را در قرآن مرور کن. بعد از دعوت به توحید، یک چیز دیگر می گفتند که معمولاً با این دومی خیلی مخالفت می شد. البته برای توحید هم بهانه تراشی می کردند، ولی دومی برایشان خیلی غیرقابل تحملتر بود:

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

از خدا پروا کنید و مرا اطاعت نمایید.

این کلام آخر است که - اگرچه بیش از ۱۰ بار در قرآن تکرار شده - کفر بیماردلان را در می آورد. پذیرش یک انسان! انسانی که نه پول دارد نه تاج و تخت و فقط برگزیده خداست!

نه، هرگز این را نمی پذیرفتند... راستی شنیده‌ای که «إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرِثَةُ الْأَنْبِيَاءِ»؟ یعنی علما وارثان پیامبرانند. پس بعید نیست که با علماء هم مخالفت بشود. کافی است دشمنی‌های این روزها با شورای نگهبان را با دقت ببینی!

الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص: ۳۲

مسجد نما را در

افسران

کلوب

لنزور

دنبال کنید



بند و بساطها!

زمانی که حیران می شویم و مقصد و مقصود بادمان می رود... بادمان می رود که این تشکیلات، این کار فرهنگی و حتی این دور و بری‌ها و این همه بند و بساطها برای این بود که برای همدیگر راه بشویم نه چاه... حتی ممکن است که روزی امام عصر (عج) به ما بگوید: «تواز مایی» ولی همین‌ها ما را زمین گیر کنند...

این قضیه بر سر زبیر هم اتفاق افتاد! «ما زال الزبیر رجلاً مآ أهل البيت حتى نشأ ابنه المشثوم عبدالله» زبیر از ما بود تا زمانی که پسرش عبدالله بزرگ نشده نبود! زبیر سیف الاسلام! زبیر مخالف جریان سقیفه! زبیری که در زمان انقلاب پیامبر (صلی الله علیه وآله) برای خود برو و بیایی داشت! دیگر نمی توانست با ولی مسلمین علی (علیه السلام) کنار بیاید! یادش رفته بود مقصد و مقصود را... با اینکه پیامبر همین اتفاق را چندین سال قبل به او تذکر داده بود ولی... «منا اهل البيت» هم که باشی، کارهایت است که تو را معرفی می کند که همیشه «ملاک حال فعلی افراد است»... خود را مخاطب آیات قرآن ببینیم:

الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرًا أَمْ لَمْ أَكْهَفْ آيَةً (۴۶)

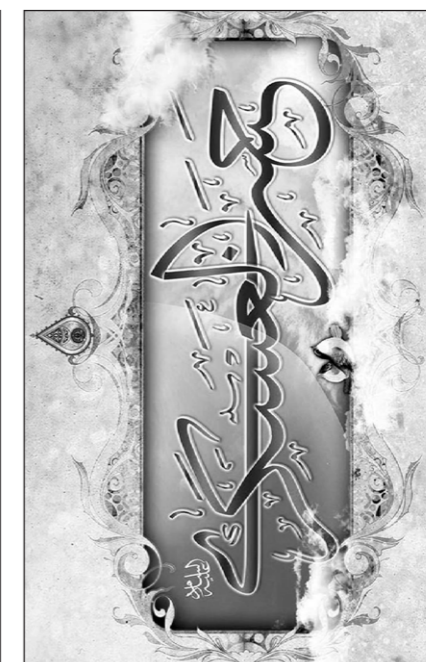
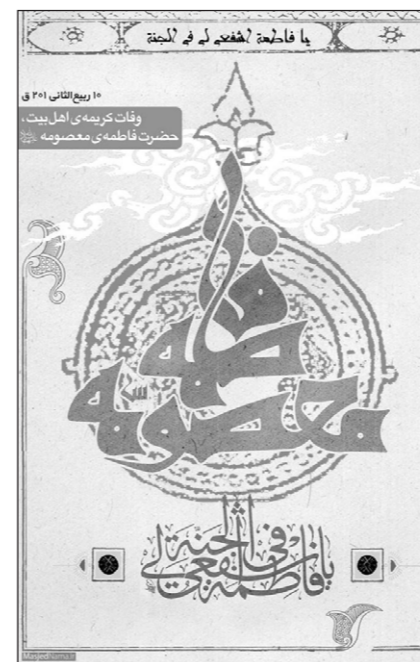
آیه می فرماید حتی اگر خواستید به چیزی دلخوش باشید به همان کارهای صالح و تقویاتان امید داشته باشید نه به این بند و بساطها!



درقاب تصویر

ارسال تصاویر شما: sangaremahalle@chmail.ir

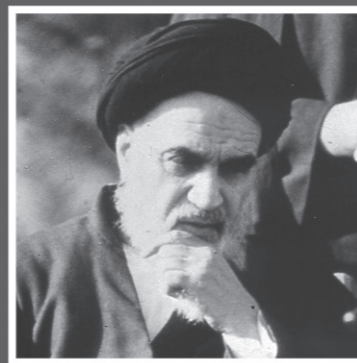
• در این بخش می توانید یکی از طرح‌های مناسبتی این هفته را مشاهده کنید. برای این هفته در تارنمای masjednama.ir پوسترهایی با موضوعات میلاد امام حسن عسکری (ع)، وفات حضرت فاطمه معصومه (ع)، فرار شاه و شهادت نواب صفوی، به صورت رنگی و با کیفیت بالا قرار گرفته.



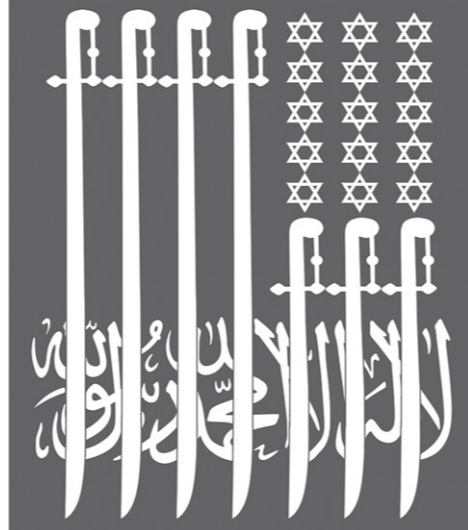
بیانات امام خمینی در سالگرد کشتار خونین مکه،

۶۷/۴/۲۹

اگر آل سعود یک جو غیرت داشتند...



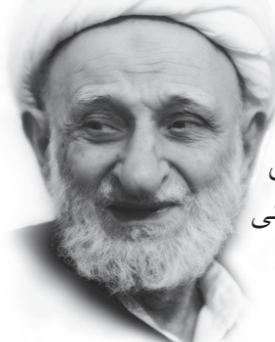
مسلمانان نمی دانند این درد را به کجا ببرند که آل سعود و «خادم الحرمین» به اسرائیل اطمینان می دهد که ما اسلحه خودمان را علیه شما به کار نمی بریم! و برای اثبات حرف خود با ایران قطع رابطه می کنند. واقعاً چقدر باید رابطه سران کشورهای اسلامی با صهیونیستها گرم و صمیمی شود تا در کنفرانس سران کشورهای اسلامی مبارزه صوری و ظاهری هم با اسرائیل از دستور کار آنان و جلسات آنان خارج شود. اگر اینها یک جو غیرت و حمیت اسلامی و عربی داشتند، حاضر به یک چنین معامله کثیف سیاسی و خودفروشی و وطن فروشی نمی شدند.



حکایت خوبان

پرتقال حرم

دل دخترک پرتقال می خواست. مادرش گفت توی این فصل پرتقال از کجا پیدا کنیم؟ بعد از چند دقیقه دختر بچه با یک پرتقال وارد اتاق شد. هیچ کس نمی دانست این پرتقال را کی دست او داده است.



منبع: پایگاه عرفه arafe.net به نقل از یکی از شاگردان آیت الله بهجت

آقا (آیت الله بهجت) فرمود: این بچه توی حرم دلش پرتقال خواسته بود، حالا با قاعده به او پرتقال داده اند. منظور آقا این بود که توی حرم هر چیزی که واقعا دلت بخواد، با قاعده می آورند بهت می دهند. «با قاعده» یکی از آن تکیه کلام‌های شیرین آقا بود. می گفت بچه‌ها را که حرم می برید حتما خوراکی دستشان بدهید که توی حرم بخورند.

ارسال طرح‌ها و محتواها ثابت و مناسبتی به صورت روزانه

عضو کانال مسجد نما در تلگرام شوید

مسجد نما

telegram.me/masjednama



محبت فطری امیرالمؤمنین

شیعه و سنی در خیلی چیزها مشترک اند که یکی از مهم ترین هایش محبت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است. این در حالی است که در طول تاریخ بر عکسش دیده می شود یعنی بیشتر سال‌های تاریخ، نه تنها نمی توانستند محبت خود را ابراز کنند بلکه مجبور می شدند شاهد لعن بر علی علیه السلام باشند.

اما زهی خیال باطل! هر چه می خواهند و می خواستند لعن کردند، بدون این که بدانند حب علی ریشه در فطرت انسان‌ها دارد و خاموش شدنی نیست:

أَلَا إِنَّكُمْ سَعُرُضُونَ عَلَى سَبِيٍّ، فَإِنْ خَفْتُمْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ فَسُبُونِي، أَلَا وَإِنَّكُمْ سَعُرُضُونَ عَلَى الْبِرَاءَةِ مِنِّي، فَلَا تَفْعَلُوا فَإِنِّي عَلَى الْفُطْرَةِ.

آگاه باشید که شما را به دشنام دادن به من وامی دارند. [در صورت اجبار] به من دشنام بدهید؛ آگاه باشید که شما را به بی‌زاری جستن از من وامی دارند، اما شما تبری نجوید چرا که من بر فطرت پاک هستم (و هیچ قلب پاکی از من بی‌زاری نمی جوید)

دیگر سؤال و شبهه نداریم که نکند لعن‌ها و تمسخرها موجب نابودی علی و آل علی شود! تا خدا هست و خدایی می کند، در وجود انسان‌ها فطرت را قرار می دهد و تا این فطرت‌های پاک هستند، عطر حب علی (علیه السلام) از آن‌ها استشمام می شود.

الأمالي (للطوسي)، النص، ص: ۳۶۵

کاریکاتور هفته:

افسار آل سعود در دست صهیونیست‌ها حکومتی که در خدمت منافع امریکا و صهیونیست‌هاست

